

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۲ اکتوبر ۲۰۲۱

انتقام "ملاسالاری" از معارف عصری!

(۶)

دوشنبه - ۱۹ میزان ۱۴۰۰ - کابل:

ب- استفاده ابزاری امپریالیسم امریکا از طالب در منطقه:

بادرنظرداشت این که منطقه درکل و کشور های شمال و غرب افغانستان به صورت خاص در کنار منابع طبیعی افغانستان، از جمله نقاطی به شمار می روند که نه تنها بر مبنای ذخایر نفت و گاز موجود در آنها، خودشان دارای اهمیت اقتصادی قیاس ناپذیری هستند بلکه موقعیت آنها بین دو رقیب ستراتیژیک امریکا یعنی چین و روسیه از ابعاد دیگری نیز بر اهمیت آنها می افزاید، برای امپریالیسم امریکا و در کل امپریالیسم غرب خیلی مهم است، تا امکان و زمینه های اثر گذاری شان را در آن مناطق، حفظ و تقویت نمایند.

برای رسیدن به چنان اهدافی، امپریالیسم امریکا در دهه ۹۰ قرن گذشته، به خصوص بعد از اضمحلال "شوروی متوفا"، بسیار امیدوار بود تا به صورت مستقیم خودش بر جمهوری های میراث مانده از شوروی اثر گذاشته، در نتیجه به نیروئی مانند طالب زیاد نیاز احساس نکند، مگر بافت های چند لایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین روسها و کشور های آسیای میانه، تمرکز نفوس میلیونها خانواده روسی الاصل در آن مناطق و تأثیر آنها بر سیاست های کلی همان کشورها، روابط مستحکم نماینده طبقه حاکمه این جمهوری ها با روسیه به خصوص با دستگاه امنیت و ارتش آن کشور، احبای روسیه به جای شوروی متوفا، خیز های بلند اقتصادی و به موازات آن سیاسی جمهوری خلق چین و ده ها عامل دیگر همه موجب گردید، تا در همان فرصت کوتاه یعنی اواخر دهه ۹۰ قرن گذشته، امپریالیسم متوجه شود که بدون وسیله و واسطه، قادر نیست در آسیای میانه به صورت اثرگذار تبارز نماید.

از همین جاست که امپریالیسم امریکا وقتی در هزاره جدید به بهانه حملات یازده سپتمبر به پیشروی های ستراتیژیکش با اشغال افغانستان آغاز نمود، بسیار آگاهانه، ضمن برداشتن طالب از قدرت، روند استحاله آنها را به جانبداری از خودش در ابعاد مختلف آغاز کرد. یعنی ضمن آن که تعدادی از رهبران "اصلاح پذیر" آنها را در زندان و خارج از آن، زیر تربیت گرفت، در مجموع فضای افغانستان را از لحاظ تربیتی چنان سازماندهی نمود، که همه ساله بر تعداد طالب باوران و آنهایی که به مانند طالب می اندیشیدند، بیفزاید.

همان طوری که در قسمت قبلی نیاز امپریالیسم امریکا و شرکاء را در داخل افغانستان تذکار دادم، پرورش چنین نسلی برای صدور به زعم خودشان "انقلاب اسلامی" مگر در اصل هرج و مرج سازمانیافته و ویرانگر در کشور های

آسیاسی میانه و به مثابه چماق دست امپریالیسم عمل کردن در آن مناطق و استفاده ابزاری از آنها به حیث "ملیته های ناتو" که گاهیگاهی از آن به نام "ناتوی اسلامی" نیز یاد می گردد، امپریالیسم امریکا و شرکاء را وادار ساخت تا روند تربیت طالب و گسترش "طالبسم" را در افغانستان با حدت و شدت بیشتری ادامه دهند.

امریکا خوب می داند که اگر خواسته باشد در کدام کشور آسیای میانه با تکیه بر نیروهای بومی آنجا مشکلی ایجاد نماید بر مبنای تجاری که از دهه ۹۰ قرن گذشته نزدش وجود دارد، مطمئن است که حرکاتش را روسها در نطفه خفه خواهند نمود، لذا برای این که در اداره آن کشور ها و در تحقق اهداف رقبای سترایژیکش خلل و نقصانی وارد نماید، نیاز به نیروئی مانند طالب دارد که نه برایش منافع ملی کشورش ارزش دارد و نه هم اعتقادی به مفاهیمی مانند استقلال، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، تساوی حقوق زن و مرد و بقیه مفاهیم و ارزش های معتبر در عصر کنونی. هموطنان گرامی!

روند تقویت و حمایت از طالب تا سپردن افغانستان و سرنوشت میلیونها باشندۀ این کشور به دست این از گوربرخاستگان تاریخ، امری نبوده و نیست که امپریالیسم امریکا و شرکاء عاشق روی چند طالب متعفن شده باشند و یا عقل خودشان را از دست داده، زمام امور و اختیارشان را به استخبارات پاکستان سپرده باشند، بلکه هدف از وارد کردن این صاعقه بر مغز باشندگان این کشور، استفاده ابزاری از این باند خونریز و جنایت پیشه است در رقابت های بین المللی اش علیه چین، روسیه و ایران.

طنز بشدت تراژیک این روند آن است که طالب نه تنها می کوشد تمام این خیمه شب بازی را به حیث پیروزی اش تبلیغ بدارد، بلکه بدنه آن معتقد اند که گویا نیروئی مستقل و هریک خود را در جمع لشکریان "محمد حنیفه غازی" فکر می نمایند. این احساس کاذب و بدون پایه مادی، به طالب و طالبیسم اجازه می دهد، تا حل تضادهای باقیمانده از قرون را در دستور کارش قرار دهد. از همین روست که شمشیر از نیام کشیده، چپ و راست ضربت وارد می نماید، اینجا به طول ریش مردم چنگ می اندازد، آنجا به روسری و حجاب زنان حمله می کند، جای دیگر شیعه کشی می کند، در محل دیگر تاجیک کشی و حتا پشتون کشی را رویدست می گیرد و در ضمن انسان بی هویتی به نام "ملا باقی حقانی" به نمایندگی از قشر مفتخور ملا و به نمایندگی از نظام "ملاسالاری" بر معارف عصری خط بطلان کشیده، ده ها و صد ها هزار معلم را در یک قلم خانه نشین می نماید.

هموطنان گرامی!

این که امروز ملا باقی ها یکه تازی می کنند با تمام اوضاع بدی که در آن به سر می بریم نباید چنان تعبیر گردد که گویا همه چیز خاتمه یافته است. مطمئن باشید قضیه نه تنها خاتمه نیافته است، بلکه می توان نوشت تازه شروع شده است. یعنی توهم غلیظی را که امپریالیسم و ارتجاع بر جامعه حاکم ساخته بودند و حتا به اصطلاح نیروهای انقلابی و چپ نیز نمی دانستند چه می گویند و چه می کنند و آگاهانه در منجلاب ریفورمیسم غوطه می زدند، بر بستر عملکرد طالب آن توهم غلیظ آهسته آهسته از میان رفته، برای آنهایی که خواستار تغییر اند این حقیقت واضح می گردد، که در کشوری با ساختار اقتصادی - اجتماعی افغانستان مبارزه پیگیر و هدفمند فقط در پرتو ایجاد ۳ سلاح خلق راه حل مشکلات است، نه آستانبوسی امپریالیسم و یا هم خوشرقصی به سازهای به اصطلاح دموکراتیک اشغالگران.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!